

## The Conceptual Expansion of Power (Quwwah) in the Verse “Wa a’iddū lahum mā istaṭa‘tum min quwwah” in Light of Power Theories

Seyyed Mostafa Ahmadzadeh<sup>ID</sup>

Associate Professor, Department of Quran and Social Studies, Research Center for Civilized Islam, Research Institute for Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran. [m.ahmadzadeh@isca.ac.ir](mailto:m.ahmadzadeh@isca.ac.ir)

### Abstract

Exegetes have enumerated various instances (mašādīq) for the term “quwwah” (power) in the verse “Wa a’iddū lahum mā istaṭa‘tum min quwwah” (Al-Anfāl, 60). Clarifying the instances of quwwah and its equivalent, “power,” in light of power theories—while adhering to the principles and foundations of exegesis (tafsīr)—can reveal diverse manifestations of quwwah, which would consequently lead to transformations in the political, defensive, scientific, cultural, social, and industrial policymaking of the Islamic ummah. The present study, aiming to identify the instances of quwwah, seeks to answer the following question: How do power theories influence the conceptual expansion of the term quwwah in verse 60 of Sūrah Al-Anfāl? To address this, a combined methodology—encompassing semantics, comparative analysis, intra-Quranic exegesis (tafsīr al-Qur’ān bi-l-Qur’ān), and interdisciplinary research—has been employed. The findings demonstrate that the semantic proximity between quwwah and “power” paves the way for utilizing power theories to elucidate and expand the instances of quwwah in the aforementioned verse. Furthermore, based on the contextual analysis (siyāq) of the verses, exegetes have cited diverse instances for quwwah, thereby opening the path for multiplicity in its interpretations within verse 60 of Sūrah Al-Anfāl. Additionally, the Holy Quran references instances of all three types of power—namely, hard power (e.g., executing punishment [Al-Mā’idah, 33]), soft power (e.g., unity and solidarity against enemies [Al-Ṣaff, 4]), and smart power (e.g., the combination of intellectual capability and physical strength in societal leadership and management [Al-Baqarah, 247], as well as the integration of jihad with wealth and lives [Al-Tawbah, 20])—across various verses. Consequently, the Quran employs diverse instances of power types—hard, soft, and smart—both horizontally and vertically. Divine intent entails mobilizing all forms of power, present and future; quwwah, as evidenced by Quranic verses and various segments of the mentioned verse, encompasses all instances of hard, soft, and smart power—and even transcends them. Accordingly, Muslims must continually enhance their preparedness across all domains necessary to confront enemies. Should adversaries employ any new form of power, it becomes incumbent upon believers to equip themselves with that new power. The objective of believers’ preparedness in all realms of power is not to deploy it in combat against enemies but to deter them and prevent them from harming Islam and Muslims. Moreover, the Quran, while emphasizing Muslims’ readiness in all instances of hard power, places particular focus on soft power—especially its spiritual dimensions—and consistently underscores the integration of both (with greater emphasis on soft power) and the attainment of smart power. In the language of power theories, and in the Quranic lexicon, this is articulated as the “power of faith” (quwwat al-īmān).

**Keywords:** Power (Quwwah), Sūrah Al-Anfāl, Power Theories.

Received: 2024-05-04 ; Received in revised form: 2024-06-11 ; Accepted: 2024-07-08 ; Published online: 2024-09-29

<https://doi.org/10.22034/sm.2025.1975920.1977>

© the authors

<http://sm.psas.ir>


Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



## توسعه مصداقی قوه در آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»

### در پرتو نظریه‌های قدرت

سید مصطفی احمدزاده 

دانشیار، گروه قرآن و مطالعات اجتماعی، پژوهشکده اسلام تمدنی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.  
m.ahmadzadeh@isca.ac.ir

#### چکیده

مفسران، مصداقی را برای واژه «قوه» در آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰) برشمرده‌اند. روشنگری درباره مصداق قوه و معادل آن یعنی قدرت در پرتو نظریات قدرت می‌تواند در سایه رعایت مبانی و اصول تفسیری، مصداق‌گوناگونی از قوه را نمایان سازد که دگرگونی در سیاست‌گذاری‌های سیاسی، دفاعی، علمی، فرهنگی، اجتماعی و صنعتی امت اسلام را در پی خواهد داشت. پژوهش حاضر با هدف دستیابی به مصداق قوه درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که: نظریه‌های قدرت، چه تأثیری بر توسعه مصداقی واژه قوه در آیه ۶۰ سوره انفال دارند؟ برای رسیدن به پاسخ، از روش ترکیبی- معنائشناسی، تطبیقی، تفسیر قرآن به قرآن و مطالعات میان‌رشته‌ای- استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد نزدیکی دوایر معنایی میان قوه و قدرت، راه را برای بهره‌گیری از نظریات قدرت در شفاف‌سازی و توسعه مصداق قوه در آیه مدنظر می‌گشاید. همچنین براساس سیاق آیات، مفسران برای قوه مصداق متنوعی را ذکر کرده‌اند که راه را برای تنوع مصداق در آیه ۶۰ سوره انفال باز می‌کند. همچنین در قرآن کریم، از مصداق هر سه نوع قدرت، یعنی قدرت سخت مانند: کشتن (مانده: ۳۳)، قدرت نرم مانند: وحدت و یکپارچگی در برابر دشمنان (صف: ۴) و قدرت هوشمند مانند: ترکیب توانایی علمی و توانمندی جسمی در رهبری و مدیریت جامعه (بقره: ۲۴۷) و ترکیب جهاد با اموال و با جان‌ها در کنار یکدیگر (توبه: ۲۰) در آیات متعددی یاد شده است. نتیجه اینکه در قرآن کریم، مصداق متنوعی برای انواع قدرت، اعم از سخت، نرم و هوشمند، هم به لحاظ عرضی و هم به لحاظ طولی به کار رفته است. مراد خداوند، بسیج هرگونه قدرت در حال و حتی آینده است و قوه، با استناد به آیات قرآن کریم و بخش‌های گوناگون آیه مذکور، همه مصداق قدرت سخت، نرم و هوشمند و فراتر از آن را نیز دربرمی‌گیرد. بر این اساس، مسلمانان باید در همه زمینه‌های مورد نیاز برای مقابله با دشمن، آمادگی خود را روز به روز افزایش دهند و دشمنان هر نوع قدرت جدیدی را به کار گرفتند، بر مؤمنان است که در برابر آنان، خود را به آن قدرت جدید مجهز سازند. هدف از آمادگی مؤمنان در هر حیطه‌ای از انواع قدرت، نه برای به کارگیری آن در مبارزه با

استناد به این مقاله: احمدزاده، سید مصطفی (۱۴۰۳). توسعه مصداقی قوه در آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» در پرتو نظریه‌های قدرت. سیاست متعالیه، ۱۲(۳): ۷-۲۲. <https://doi.org/10.22034/sm.2025.1975920.1977>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



دشمنان، بلکه برای ترساندن و دور کردن آنان از هرگونه ضربه زدن به اسلام و مسلمین است. همچنین قرآن کریم، افزون بر آمادگی مسلمانان در همه مصداقی قدرت سخت، توجه ویژه‌ای به مصداقی قدرت نرم، به‌خصوص مصداقی معنوی قدرت نرم دارد و پیوسته بر ترکیب هر دو- با وزن بیشتر قدرت نرم- و دستیابی به قدرت هوشمند در زبان نظریات قدرت و در زبان قرآن، قدرت ایمان تأکید کرده است.

**واژه‌های کلیدی:** قوه، سوره انفال، نظریه‌های قدرت.

## ۱. مقدمه

هدف مفسر قرآن کریم، کشف مراد حق تعالی است. آنچه خداوند، اراده کرده تا به وسیله قرآن کریم به انسان‌ها برساند، غیرقابل تغییر است؛ اما فهم مفسری که به دنبال کشف مراد خداوند است، به علل گوناگون در حال تغییر و تحول است. این تغییر، از تغییر در مفهوم و مصداق واژه‌های قرآن کریم آغاز می‌شود. تحولات مصداقی، همپای تحولات مفهومی، هم می‌تواند عرضی و هم طولی باشد. یکی از واژگانی که در قرآن کریم، به دفعات به کار رفته، واژه «قوة» است. اینکه مراد خداوند از این واژه، در آیه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰) چیست؟ سؤالی است که مفسران سعی کرده‌اند از دید خود بدان پاسخ دهند. اما در این نوشتار، مصداق طولی «قوة» مد نظر است. از سوی دیگر، این واژه بسیار به واژه قدرت نزدیک است و درباره قدرت در علوم انسانی، به‌ویژه در علوم سیاسی، نظریات گوناگونی مطرح شده است؛ که به فهم دقیق‌تر مصداق «قوة» کمک می‌کند. پژوهش حاضر با هدف دستیابی به مصداق مفهوم «قوة» در این آیه، تلاش دارد با بررسی دیدگاه‌های مفسران و بهره‌گیری از مؤلفه‌های نظریات قدرت در علوم انسانی، به این دو سؤال پاسخ دهد که آیا واژه «قوة» در این آیه، افزون بر پوشش مصداق قدرت نظامی، سایر مصداق قدرت را نیز دربرمی‌گیرد؟ نظریه‌های قدرت در علوم انسانی، چه تأثیری بر توسعه مصداق مفهوم قوه در قرآن کریم دارند؟ زمینه‌سازی جهت توسعه روشمند تفسیر قرآن کریم و تداوم و تکامل سیر تفسیر آیه، به لحاظ گستره مصداق طولی «قوة» و تقویت روشی و مصداقی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم بر پایه دستاوردهای علوم انسانی، و بازگشایی افق‌های نوین تفسیری برای نشان دادن روزآمدی و کارآمدی قرآن کریم در حل مسائل و نیازهای جامعه معاصر، از جمله دغدغه‌هایی بوده است که اهمیت و ضرورت این نوشتار را دوچندان ساخته است.

## ۲. پیشینه پژوهش

درباره توسعه مصداقی در قرآن کریم، تحقیقات مختلفی انجام شده است. اسدی (۱۳۹۵) در مقاله «توسعه مصداق اولوالعزم با روش کشف ملاکات از قرآن و حدیث»، افزون بر پنج پیامبر مشهور اولوالعزم، براساس آیات قرآن کریم و روایات، مصداق دیگری را برای آن برشمرده است. محمدزاده و همکاران (۱۳۸۸) نیز در مقاله «بررسی مفهومی و مصداقی برکت از دیدگاه قرآن کریم»، ضمن برشمردن مصداق برکت در قرآن کریم، مؤلفه‌های مفهوم برکت را بررسی کرده‌اند. عترت‌دوست (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیل محتوای کیفی شبکه معنایی قدرت؛ تلاشی برای فهم الگوی قدرت نرم در قرآن کریم» تلاش کرده تا مؤلفه‌ها و ارکان نظریه

قدرت نرم را از منظر قرآن کریم استخراج کند. مفتاح (۱۳۸۸) در کتاب «نظریه قدرت برگرفته از قرآن و سنت»، به طراحی تئوری دولت اسلامی و مؤلفه‌های آن پرداخته است. اما آنچه این پژوهش را از سایر آثار مشابه متمایز می‌سازد، از یکسو تمرکز بر مصادیق طولی «قوة» و از سوی دیگر، بهره‌گیری از نظریات قدرت در علوم انسانی برای توسعه مصادیق آن است.

### ۳. روش پژوهش

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای بوده و روش پژوهش، ترکیبی است. در قسمت نخست، سعی شده است با استفاده از روش معناشناسی، معنای قوه و قدرت در قرآن کریم شفاف شود و پس از آن، با روش تفسیر قرآن به قرآن، دیدگاه‌های مفسران تحلیل شده و سپس با روش تطبیقی کلان، نظریات قدرت در علوم انسانی با نظریات قرآن‌پژوهان مقایسه شده و در پایان، براساس مطالعات میان‌رشته‌ای و بر پایه مبانی، اصول و قواعد تفسیری، با هدف توسعه و تعمیق دانش تفسیر قرآن کریم، از نظریات قدرت در علوم انسانی (دانش خادم)، برای توسعه مصادیق تفسیری قوه (دانش مخدوم)، بهره‌برداری شده است.

### ۴. مفاهیم پژوهش

بایسته است نخست برخی از مفاهیم لازم، به صورت گذرا تعریف شود تا از هرگونه ابهامی در روند پژوهش جلوگیری گردد.

#### ۴-۱. توسعه مصداقی

مفهوم، معنا و مصداق، در دانش‌های گوناگون و در میان دانشمندان غربی و اندیشمندان مسلمان و در سده‌های گذشته و معاصر، تعاریف خاصی دارند. در این نوشتار، هر صورتی که در ذهن نقش می‌بندد، مفهوم است. مفهوم، در قالب نشانه ریخته می‌شود تا به معنا تبدیل شود (گل محمدی، ۱۳۸۹: ص ۲۴۹). آنچه بر مفهوم صدق می‌کند، مصداق است. مفهوم، گاه یک مصداق دارد، مانند واجب‌الوجود و گاه، چند مصداق دارد. تعدد مصادیق، هم با دیدگاه مفسرانی که به تک‌معنایی واژگان قرآن کریم عقیده دارند (فخررازی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۱۰۲) و هم با دیدگاه مفسرانی که به چند معنایی واژگان قرآن کریم اعتقاد دارند (سید مرتضی، ۱۹۹۸م: ج ۴، ص ۸۳)، تناسب دارد. از سوی دیگر، حداقل برای هر مفهومی دو حالت متصور است: توسعه مفهومی و توسعه مصداقی. منظور از توسعه مفهومی این است که مفهوم بر مدار همان اصل معنایی اولیه خود، توسعه پیدا کند؛ که همان یک اصل معنایی در سیاق‌های گوناگون و با توجه به ساختار

جمله، توسعه مفهومی داده می‌شود و دلالت بر امر مادی و معنوی می‌نماید (مهدوی‌راد و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۲۱۱). مانند توسعه مفهوم طعام، در آیه «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»؛ که در روایات معتبر، هم به طعام مادی یعنی غذای مورد نیاز جسم و هم به طعام معنوی و غذای روح، یعنی علم (ع) تفسیر شده و توسعه مفهومی یافته است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۵۰). اما منظور از توسعه مصداقی این است که، مصداق یک مفهوم توسعه پیدا کنند؛ که این توسعه، هم عرضی و هم طولی است. به‌عنوان نمونه، مصداق مفهوم ترازو در گذشته، وسیله‌ای بوده که دو کفه داشته و با آن اشیاء گوناگون را وزن می‌کردند؛ که انواع و اقسام اینگونه ترازو، مصداق عرضی آن به‌شمار می‌آید. اما مصداق ترازو، امروزه متنوع شده و اصلاً دو کفه ندارد؛ بلکه برای وزن کردن انواع و اقسام اشیاء، ترازوهای تخصصی با شکل و شمایل بسیار متنوع ابداع شده است. همه انواع گوناگون ترازو از گذشته تا امروز، که تغییر و تحولات متعددی را پشت‌سر گذارده‌اند، مصداق طولی ترازو به حساب می‌آیند (طباطبایی، ۱۳۵۱: ج ۱، ص ۱۰).

#### ۴-۲. معنائشناسی قوه

واژه «قوة» از ریشه قوی، ۳۱ بار در قرآن کریم به‌کار رفته است (روحانی، ۱۳۶۶: ج ۲، ص ۱۱۸۸). قوه، شدت در برابر ضعف است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ص ۳۶). قوه به معنی طاقت (فیومی، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۵۲۱)، قدرت (بقره: ۶۳)، آمادگی بدنی (فصلت: ۱۵)، آمادگی قلبی (مریم: ۱۲)، نیروی کمکی انسانی (هود: ۸)، نیروی کمکی مالی (نمل: ۳۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۶۹۴) و انجام کارهای سخت نیز آمده است (عسکری، ۱۴۱۲ق: ص ۴۲۱). مصداق دیگری نیز برای آن، در برخی از آثار ذکر شده است: قوت در عقل، دین و یا در حجت، عدّه و عدّه (انفال: ۶۰)، ثروت و فرزند و قدرت ظاهری (هود: ۵۲)، قدرت علم و عمل و ابلاغ رسالت (تکویر: ۲۰) (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۱۷۸۰).

#### ۴-۳. معنائشناسی قدرت

هرچند ریشه قدر و مشتقاتش، ۴۰ بار در قرآن کریم به‌کار رفته‌اند؛ اما اسم مصدر آن یعنی قدره، در قرآن کریم نیامده است (روحانی، ۱۳۶۶: ج ۲، ص ۱۱۵۱). قدرت به معنی ظرفیت واقعی و حدّ نهایی و کامل هر چیز (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ص ۸۰۷) و قوت بر چیزی است (انیس و همکاران، ۱۴۰۸ق: ص ۷۱۸). در اصطلاح، توانایی موجود زنده نسبت به انجام یا ترک فعلی، به‌طور ارادی است (جرجانی، ۱۹۹۰م: ص ۱۸۱). از میان چهار نسبت منطقی میان دو مفهوم قوه و قدرت، تباین و عموم و خصوص من وجه، طرفداری ندارد. بعضی قدرت را از مصداق قوه برمی‌شمارند (مصطفوی، ۱۴۱۶ق: ج ۹، ص ۳۴۷). برخی دیگر

معتقدند که قوه از قدرت اعم است؛ زیرا قوه برای همه موجودات به کار می‌رود، اما قدرت، تنها برای موجودات زنده مختار به کار می‌رود (جمعی از محققان، ۱۳۹۷: ج ۱۱، ص ۴۵۳). پس عموم و خصوص مطلق است. کاربرد قوه برای انسان (موجود زنده مختار)، آن را به تساوی میان این دو مفهوم تبدیل می‌کند. همچنین، تعداد قابل توجهی از مفسران و لغت‌شناسان در تعریف قدرت، از واژه قوه و در تعریف قوه، از واژه قدرت استفاده کرده‌اند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱: ج ۳، ص ۴۵۶؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۷، ص ۳۷۱)، که ترادف و تساوی این دو مفهوم را به ذهن متبادر می‌سازد. هرچند برخی، قوه را با قدرت مترادف دانسته‌اند (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۴۴۹)، پژوهش حاضر به وجود ترادف در قرآن کریم اعتقادی ندارد؛ اما معتقد است که نزدیکی دوایر معنایی میان قوه و قدرت، راه را برای بهره‌گیری از نظریات قدرت در شفاف‌سازی و توسعه مصداقی قوه در آیه مد نظر می‌گشاید.

#### ۵. گستره قوه براساس قواعد نحوی و بلاغی

قواعد نحوی و بلاغی در آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»، نشان از گستردگی معنایی و مصداقی قوه دارد. «ما» در ابتدای آیه، که موصول و مفعول به است، به غیرعاقل اختصاص دارد؛ اما نحویان گفته‌اند که هنگامی که با عاقل درآمیزد، کاربرد آن برای عاقل نیز جایز است (ابن عقیل، ۱۳۶۸: ج ۱، ص ۱۴۷). بنابراین، مؤمنان باید در برابر کافران، آنچه را که می‌توانند، اعم از عاقل و غیرعاقل فراهم سازند. «استطعتم» که صله «ما» است، با هدف کامل‌سازی معنای موصول، روشن می‌کند که مراد از «ما»، هر آن چیزی است که در توان مؤمنان باشد. «من قوه» جار و مجرور، حال است برای مای موصول، که متعلقش حذف شده است. بنابراین، آنچه مؤمنان آماده می‌کنند، باید قوت‌ساز و قدرت‌آفرین باشد (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۸، ص ۱۸۵). به دیگر سخن، به لحاظ بلاغی، مسبب (قوه) ذکر شده؛ ولی سبب آن (ابزار یا چیزی که قوه را می‌آفریند) اراده شده است. «من رباط الخیل» هم، عطف به «من قوه» است که عطف خاص بر عام است (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۹، ص ۱۴۵). «ترهبون به» نیز، حال است یا از ضمیر «واعدوا»: یعنی مؤمنان باید طوری عمل کنند که دشمنان را به هراس بیندازند و یا از مای موصول است که در این صورت، یک ذوالحال با دو حال می‌شود: یعنی آنچه مؤمنان آماده می‌کنند، هم باید قدرت‌زا و قدرت‌آفرین باشد و هم باید برای دشمنان وحشت‌افزا و رعب‌آور باشد. همچنین، جمله «ما استطعتم»، عام است و کلمه «قوه» که به صورت نکره آمده، عمومیت آن را تقویت می‌کند و هرگونه قوتی را در هر شکلی و در هر زمانی، حتی آینده را دربر می‌گیرد.

## ۶. مصادیق قوه از دیدگاه مفسران

عبارت «من قوه»، راهبردی تعیین‌کننده در مناسبات بسیج مؤمنان در برابر کفار است. حال این سؤال مطرح می‌شود که، مصادیق قوه یا قدرت چیست؟ مفسران در پاسخ به این سؤال، حداقل به دو دسته قابل تقسیم‌اند. اغلب مفسران با توجه به عبارت پس از آن، یعنی «وَمَنْ رَبَّاطِ الْأَخْيَلِ» که به معنای مرکز نگهداری اسبان جنگی یا به تعبیر امروزی پادگان و پایگاه نظامی است، منظور از قوه را تجهیزات نظامی دانسته‌اند که در گذشته اسب، شمشیر، نیزه، سپر و منجنیق بوده و امروزه کشتی جنگی، هواپیماهای شکاری، موشک، پهباد، رادار و تسلیحات مدرن نظامی است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۹، ص ۱۴۵). دسته دوم، عبارت توضیحی بعد از آن را، در حکم مهم‌ترین مصداق قوه برشمرده‌اند و پای را از این فراتر نهاده‌اند و براساس آیات گوناگون قرآن که به انواع و اقسام مصادیق قوه و قدرت (آل عمران: ۲۱) و رابطه اشاره دارد (آل عمران: ۲۰۰)، و نیز با الهام از روایات (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۲۶۲)، معتقدند که این جمله، عموم و اطلاق دارد و هرچه را مایه تقویت نیروی نظامی است، فرامی‌گیرد. از این رو، اتحاد ملی، جهاد فرهنگی، رابطه با معصومین (ع) و امام زمان (عج) را از مصادیق قوه برشمرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ج ۳۲، ص ۶۵۶-۶۴۰؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۲، ص ۲۷۸-۲۷۵). برخی از مفسران دیگر نیز، مطابق استراتژی آیه، آمادگی دائمی دولت اسلامی را در برابر دشمنان در همه جهات مادی، معنوی، سیاسی، فرهنگی، صنعتی و اقتصادی از مصادیق آیه محسوب کرده و تأکید کرده‌اند که این آمادگی در هر عصر و زمان بایستی متناسب با همان عصر و زمان لحاظ گردد (زحیلی، ۱۴۱۱ق: ج ۱۰، ص ۵۰-۴۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۲۲۲). بنابراین، مفسران معتقدند که مصادیق قوه متنوع است.

## ۷. تعریف قدرت

امروزه، قدرت به عنوان یک مفهوم کلیدی، تعاریف گسترده‌ای یافته و در بستر رهیافت‌های گفتمانی، معنای جدیدی پیدا کرده است. مفهوم قدرت تا دو دهه گذشته، مفهومی سیاسی و اساساً محدود به مناسبات حوزه سیاست بود؛ اما در نگرش گفتمانی، این مفهوم دایره وسیع‌تری پیدا می‌کند و به شکل نامحدودی می‌توان ریشه‌های قدرت را در تمامی مناسبات انسانی، در حوزه زبان، فرهنگ و حتی سازه‌های دانایی بازیابی کرد (نژاد ایران، ۱۳۹۴: ص ۹۱-۹۳). از سوی دیگر، قدرت مفهومی چندبعدی<sup>۱</sup> و میان‌رشته‌ای<sup>۲</sup> است

1. Multidimensional  
2. Interdisciplinary

(Boulding, 1990: p. 20)، که با افزودن قیدهای گوناگون، تعاریف متنوعی می‌یابد. قدرت، وجود یک اراده چیره که اراده‌های دیگر در طول آن قرار دارند (بخشایشی اردستانی، ۱۳۷۶: ص ۷۳)؛ قدرت، مجموعه‌ای از عوامل مادی و معنوی که موجب به اطاعت درآوردن فرد یا گروه توسط فرد یا گروه دیگر می‌گردد (عمید زنجانی، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۵۶)؛ قدرت، نه یک نهاد و نه یک ساختار، بلکه وضعیت استراتژیکی پیچیده و کثرت روابط میان پدیده‌ها است (Dreyfus & Rabinow, 1983: p. 187). بررسی تعاریف متنوع قدرت، نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر، تعریف قدرت به‌گونه‌ای رشد داشته که نه تنها مستقیم و یا غیرمستقیم به بسیاری از دانش‌های بشری راه یافته؛ بلکه همه لایه‌های ارتباطات انسانی را نیز تحت تأثیر قرار داده و به دال مرکزی گفتمان معاصر غرب و اسلام تبدیل شده است.

## ۸. انواع قدرت

تنوع در تعاریف، تنوع در انواع و مصداق را به دنبال خواهد داشت. در علوم انسانی، انواع و مصداق گوناگونی برای قدرت ذکر شده است. در این نوشتار، تقسیم نوین، معتبر و مشهور قدرت به سخت، نرم و هوشمند (تلیس و همکاران، ۱۳۸۳)، مبنای بحث قرار گرفته است. منظور از مصداق قدرت سخت، مصداق فیزیکی و عینی مانند: میزان جمعیت، سرزمین، منابع طبیعی، حجم نیروهای نظامی و تجهیزات و ابزارآلات دفاعی است؛ که هدف آن ایجاد رعب، وحشت، هراس، اجبار و تهدید است. منظور از قدرت نرم، قدرت غیرفیزیکی، معنوی، غیرمستقیم و نامحسوس است. در تهدید نرم، کشور مهاجم می‌کوشد بدون استفاده از ابزارهای خشن، اعمال قدرت کند و مدیریت افکار عمومی کشور مورد تهاجم را در راه نیل به هدف‌های خود برعهده گیرد. برخلاف قدرت سخت که اجبار، نقش محوری را به عهده دارد؛ در قدرت نرم، همکاری، نقش اصلی را به عهده دارد.

بنابراین، اثبات قدرت در گرو منابع قدرت نیست؛ بلکه در توانایی تغییر رفتار دولت‌های دیگر است (Nye, 1990: p. 153-171). برخی از مصداق قدرت نرم عبارت است از: فرهنگ و میراث فرهنگی، تبلیغات، زبان، ابزارهای رسانه‌ای، هویت و یکپارچگی ملی، وحدت، ارزش‌ها و باورها، اقناع‌سازی دیگران، جنگ روانی. ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت (زور و تطمیع)، با قدرت نرم (جذب و ترغیب)، در مقابله با تهدیدات را قدرت هوشمند می‌نامند. هدف از قدرت هوشمند، هماهنگ‌سازی میان منابع اجباری و اقناعی، شامل توانایی‌ها و برتری‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک در راستای تضمین تداوم برتری کشور است (صالح‌نژاد، ۱۳۹۸: ص ۱۱).

## ۹. توسعه مصداقی قوه

اثبات توسعه مصداقی قوه در این آیه، در گرو اثبات سه نکته است: تنوع مصداقی قوه در قرآن کریم، تنوع مصداقی قدرت در قرآن کریم، عمومیت مصداقی قوه با توجه به شواهد آیه. در ادامه، اثبات هریک، تشریح می‌شود.

### ۹-۱. تنوع مصداقی قوه در قرآن کریم

نخست، لازم است ثابت شود که مصداقی قوه در قرآن کریم متنوع است. هر چند لغت‌شناسان برای قوه معانی گوناگونی ذکر کرده‌اند؛ اما قوه از واژه‌هایی است که بیش از یک معنا ندارد و آنچه اینان برای قوه براساس سیاق آیات آورده‌اند، مصداقی قوه است. مفسران نیز بر همین اساس، بر پایه سیاق آیات، برای قوه مصداقی را برشمرده‌اند که در اینجا، تنها در حد اثبات تنوع مصداقی قوه در قرآن کریم، به برخی از آراء مفسران بسنده می‌شود. برخی از مفسرین معتقدند که، قوه هم در اعضاء ظاهری جلوه‌گر می‌شود، مانند قوت دست و هم در اعضاء باطنی، مانند قوت فکر (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۸، ص ۲۸۲). امام صادق (ع)، قوه در آیه «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ» (بقره: ۶۳) را، هم قوت جسم و هم قوت قلب تفسیر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۲۶۲). بعضی از مفسران در تفسیر آیه «وَإِذْ دَخَلْتُمْ قُوَّةً إِلَى قَوْمِكُمْ» (هود: ۵۲)، قوه نخست را به قدرت ایمان و قوه دوم را به قدرت جسم (طباطبایی، ۱۳۵۱: ج ۱۰، ص ۲۹۹) و یا افزودن قوت کشاورزی و باغداری بر قوت جسمی معنا کرده‌اند (فخر رازی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۸، ص ۳۶۳). مفسر دیگری در تفسیر آیه «ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ» (تکویر: ۲۰)، مراد از قوه را علم، عمل و تبلیغ رسالت دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰، ص ۶۷۷). در آیه «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ» (بقره: ۶۳)، قوه را به جدّ و یقین نیز تفسیر کرده‌اند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱: ج ۳، ص ۴۵۸). نتیجه اینکه، براساس سیاق آیات، مفسران برای قوه مصداقی متنوعی را ذکر کرده‌اند که راه را برای تنوع مصداقی در آیه ۶۰ سوره انفال باز می‌کند.

### ۹-۲. تنوع مصداقی قدرت در قرآن کریم

در قرآن کریم، از مصداقی هر سه نوع قدرت، یعنی قدرت سخت، نرم و هوشمند در آیات متعددی یاد شده است. کشتن، به صلیب کشیدن و قطع دست و پا «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ...» (مانده: ۳۳)، از جمله مصداقی متنوع قدرت سخت، هم به لحاظ عرضی و هم به لحاظ طولی است. کشتن، دارای انواع و اقسامی است که تنوع عرضی یک مصداق از مصداقی قدرت سخت را نشان می‌دهد و انواع و اقسام مصداقی

دیگر قدرت سخت، نیز تنوع طولی قدرت سخت را به تصویر می‌کشد. در کنار قدرت سخت، برخی از مفسران معتقدند مصداق قدرت نرم در قرآن کریم بسیار گسترده است و به مصداقی مانند: عزم و اراده، تقوا، ثروت، فرهنگ، دانش و روابط اجتماعی اشاره کرده‌اند (آصفی، ۱۳۹۳: ج ۳، ص ۱۶۵). یکی دیگر از مصداق قدرت نرم، وحدت و یکپارچگی در برابر دشمنان است («إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُيُوتًا مَرُوضًا» (صف: ۴). وحدت صفوف با گفتار و شعار به دست نمی‌آید، نیاز به وحدت هدف و وحدت عقیده دارد. مهم این است که مجاهدان در برابر دشمن، یک‌دل و یک‌جان و مستحکم و استوار بایستند؛ گویی همه، یک واحد به هم پیوسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۴، ص ۶۶-۶۴). از این رو، لازم است مسلمانان افزون بر قدرت سخت یعنی ادوات نظامی، از قدرت نرم مانند قدرت وحدت و یک‌دلی در برابر دشمنان، نیز برخوردار باشند. حضرت سلیمان (ع)، برای غلبه بر ملکه سبا قبل از دست یازیدن به جنگ نظامی و قدرت سخت، از تهدید نرم استفاده کرده («أَرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بَجُنُودٍ لَا قَبْلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذَلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ» (نمل: ۳۷) و از قدرت نرم خود، در جهت غلبه فکری و اعتقادی بر ملکه سبا بهره برده است (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۲۸۲). همچنین، قرآن کریم به قدرت هوشمند اشاراتی دارد. هنگامی که از انتخاب طالوت به عنوان فرمانده یاد می‌کند: «قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ...» (بقره: ۲۴۷)، به دو خصوصیت او برای انتخاب، اشاره می‌نماید: توانایی علمی و توانمندی جسمی طالوت. خداوند در این آیه، قدرت هوشمند را به تصویر کشیده است. قدرت نرم، یعنی قدرت دانش طالوت را با قدرت سخت، یعنی قدرت جسمی او ترکیب کرده؛ تا اهمیت قدرت هوشمند را در رهبری و مدیریت جامعه نشان دهد. همچنین پیوسته در آیات گوناگونی از ترکیب جهاد با اموال و با جان‌ها در کنار یکدیگر یاد کرده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ...» (توبه: ۲۰)؛ که جهاد با اموال، مصداق قدرت سخت و جهاد با جان‌ها، مصداق قدرت نرم و ترکیب هر دو، مصداق از مصداق قدرت هوشمند به‌شمار می‌آید. نتیجه اینکه در قرآن کریم، مصداق متنوعی برای انواع قدرت، اعم از سخت، نرم و هوشمند، هم به لحاظ عرضی و هم به لحاظ طولی به کار رفته است.

### ۹-۳. عمومیت مصداق قوه با توجه به شواهد آیه

در آیه ۶۰ سوره انفال، شواهد و قرآنی وجود دارد که نشان می‌دهد مراد خداوند از قوه، همه مصداق گذشته، حال و آینده آن است. عبارت «لَهُمْ» که بعد از واژه «وَأَعِدُّوا آمده است، تقابل میان بسیج نیروهای مسلمانان و کافران را به تصویر می‌کشد. در حقیقت با این عبارت، خداوند دستور داده هر قدرتی که دشمنان

داشتند، شما هم باید در برابر آنان، به همان قدرت مسلح شوید. از این رو، دشمنان هر نوع قدرت جدیدی را به کار گرفتند، بر مؤمنان است که در برابر آنان، خود را به آن قدرت جدید مجهز سازند. «ما»ی موصول نیز، ناظر به عاقل و غیرعاقل است و هرگونه‌ای از قدرت، اعم از عاقل و غیرعاقل را دربرمی‌گیرد. جمله «ما استطعتم» عام است و کلمه «قوه» که به صورت نکره آمده، عمومیت آن را تقویت می‌کند و هرگونه قوتی را در هر شکلی و در هر زمانی، حتی آینده را دربرمی‌گیرد. عبارت «وَمَنْ رِبَاطَ الْحَيْلِ» که ناظر به مکان بستن اسبها در کنار مرزها است (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۴، ص ۲۴۸)، و پادگان امروزی را به ذهن متبادر می‌سازد؛ هرگونه قوت و قدرتی که در یک مکان نظامی لازم است، اعم از تجهیزات نظامی، فرماندهی، قوانین و آموزش‌های نظامی، دیده‌بانی، اطلاعات نظامی و... را شامل می‌شود. عبارت دیگر آیه، «تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» نیز، از قوت و قدرتی یاد می‌کند که مؤمنان با آن، دشمنان خدا و دشمنان خودشان را به وحشت می‌اندازند. از آنجا که عوامل به وحشت انداختن دشمنان، شامل قدرت سخت، قدرت نرم و قدرت هوشمند می‌شود؛ قدرت مد نظر آیه نیز، می‌تواند قدرت سخت، قدرت نرم و قدرت هوشمند باشد و هر مصداقی از مصدایق قدرت را که در دشمنان، ترس و رعب ایجاد کند، دربربگیرد. توجه به این نکته نیز ضرورت دارد که، مجهز شدن به قدرت، یک مطلب است و به‌کارگیری قدرت، مطلب دیگری است. این وصف، به لحاظ داشتن قدرت، مخصّص آیه به‌شمار نمی‌آید و عمومیت آیه را تخصیص نمی‌زند؛ بلکه به لحاظ استفاده از قدرت، مخصّص آیه است. به دیگر سخن، هدف از آمادگی مؤمنان در هر حیطه‌ای از انواع قدرت، نه برای به‌کارگیری آن در مبارزه با دشمنان؛ بلکه برای ترساندن و دور کردن آنان از هرگونه ضربه زدن به اسلام و مسلمین است. قرآن کریم، بر بازدارندگی هرگونه قدرت تأکید دارد؛ و نه بر تهاجمی بودن و به‌کارگیری آن؛ و روشن است که میان این دو مقام، در اطلاق و تقیید تفاوت است. عبارت دیگر آیه «وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ»، که به دنبال عبارت پیشین آمده، به قوت و قدرتی اشاره دارد که مؤمنان با آن، باید دشمنانی را بترسانند که نسبت به آنان شناختی ندارند؛ اما خداوند آنان را می‌شناسد. این عبارت، به صورت آشکار بر گونه‌هایی از مصدایق قدرت نرم و هوشمند اشاره دارد. براساس نظر برخی از مفسرین، منظور از این دشمنان ناشناس، منافقان و براساس برخی از دیدگاه‌ها، شیاطین، اجنه و قدرت‌های نامرئی است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۵، ص ۵۰۰). همچنین همه مصدایق قدرت‌های خاص را که در علم خداوند است، شامل می‌شود. در نهایت، عبارت پایانی آیه «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» به مسلمانان دستور انفاق عام می‌دهد؛ زیرا از عبارت عام «مِنْ شَيْءٍ» استفاده کرده، تا عمومیت دامنه انفاق را برساند. به دیگر سخن، قرآن کریم به مسلمانان می‌گوید بسیج هرگونه قدرت و قوتی نیاز به هزینه دارد و این

میسور نیست مگر با انفاق. چه انفاق مالی، که ناظر به مصداق قدرت‌های سخت است؛ چه انفاق دانش، که ناظر به مصداق قدرت نرم است؛ و چه انفاق جانی، که ناظر به مصداق قدرت هوشمند است. نتیجه اینکه در سراسر این آیه، عمومات متعدد آمده تا تنوع مصداق قدرت را، حتی در آینده، برای مسلمانان ترسیم کند و از آنان نه تنها افراد قدرتمند، بلکه جامعه قدرتمند بسازد؛ تا چونان پولاد در برابر دشمنان بایستند و ندای توحید و ولایت، در سراسر جهان طنین‌انداز شوند. از این رو، روشن شد که «قوه» در آیه ۶۰ سوره انفال با توجه به شواهد متعدد آیه، شامل هرگونه قدرتی، اعم از سخت، نرم و هوشمند می‌شود؛ و همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد. روشن است که، استفاده از برخی مصداق قدرت مانند: تسلیحات شیمیایی و اتمی، که براساس نص آیات قرآن کریم، روایات و دلایل عقلی، ممنوع و حرام است و جزء مخصصات شرعی و لئی آیه به‌شمار می‌آیند، از دایره اطلاق مصداق متنوع قدرت در این آیه و سایر آیات خارج است. حتی اگر دشمنان از مصداق باطلی همچون دروغ (احزاب: ۱۸-۹)، تهدید، شبهه‌افکنی، تمسخر، نیرنگ و حيله، فحش و ناسزا (انعام: ۱۰۸) در جنگ نرم و تهاجمی خود بهره گیرند؛ مسلمانان حق ندارند از این مصداق باطل، برای مقابله با آنان استفاده کنند؛ زیرا، قرآن کریم (انبیاء: ۱۸؛ بقره: ۴۲)، به هیچ وجه اجازه نمی‌دهد برای حفظ، گسترش و رشد حق، از مسیر و ابزار باطل و به دنبال آن، قدرت باطل استفاده شود.

### ۱۰. نتیجه‌گیری

کاربردهای «قوه» در قرآن کریم، نشان می‌دهد که دوایر معنایی این کلمه به دوایر معنایی قدرت بسیار نزدیک است. از این رو، می‌توان گفت، مراد از قوه در آیه ۶۰ سوره انفال، قدرت است. بر این اساس، خداوند به مسلمانان دستور داده است در برابر دشمنان، قدرت خود را بسیج کنند. از سوی دیگر، قوه در قرآن کریم در سیاق‌های گوناگون، ناظر به مصداق دیگری از قوه است. این در حالی است که، مصداق متنوعی از قدرت نیز در قرآن کریم آمده است. همچنین در عبارات گوناگون آیه مذکور، عمومیت مصداق قوت و قدرت موج می‌زند. از سوی سوم، در علوم انسانی، برای قدرت، تعاریف متعدد و به دنبال آن، مصداق متنوع ذکر شده است. از جمع دیدگاه‌های دانشمندان علوم انسانی درباره تنوع مصداق قدرت و نظرات مفسران درباره تعدد مصداق قوه در آیه مذکور، روشن شد که مراد خداوند، بسیج هرگونه قدرت در حال و حتی آینده است و مسلمانان موظفند زمینه‌های لازم را برای دستیابی به هر مصداقی از مصداق قدرت، فراهم سازند؛ تا جامعه قدرتمندی در برابر دشمنان باشند و آنان را از طمع‌ورزی به جامعه اسلامی مأیوس سازند. همچنین قرآن

کریم، افزون بر آمادگی مسلمانان در همهٔ مصادیق قدرت سخت، توجه ویژه‌ای به مصادیق قدرت نرم، به‌خصوص مصادیق معنوی قدرت نرم دارد و پیوسته بر ترکیب هر دو- با وزن بیشتر قدرت نرم- و دستیابی به قدرت هوشمند در زبان نظریات قدرت و در زبان قرآن، قدرت ایمان تأکید کرده است.

## منابع

## قرآن کریم.

- آصفی، محمد مهدی (۱۳۹۳). فی رحاب القرآن. قم: بوستان کتاب، ج ۳.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). التحرير والتنوير. بيروت: موسسه التاريخ العربي، ج ۹-۸.
- ابن عقيل، عبدالله بن عقيل (۱۳۶۸). شرح ابن عقيل. تهران: ناصر خسرو، ج ۱.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). ترتيب مقاييس اللغة. مصحح عبدالسلام محمد هارون. قم: مكتب الاعلام الاسلامي، ج ۵.
- اسدی، زکيه (۱۳۹۵). توسعه مصداقی اولوالعزم با روش کشف ملاکات از قرآن و حدیث. نامه جامعه، ۱۴ (۱۲۰): ص ۶۰-۳۱.
- انيس، ابراهيم؛ منتصر، عبدالحليم؛ الضوالحي، عطيه؛ خلف الله احمد، محمد (۱۴۰۸ق). المعجم الوسيط. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۷۶). اصول علم سیاست. تهران: آوای نور.
- تلیس، اشلی؛ لین، کریستوفر؛ بایابی، جانیک؛ مک فرسون، ملیسا (۱۳۸۳). سنجش قدرت ملی در عصر فراصنعتی. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- جرجانی، علی بن محمد (۱۹۹۰م). التعريفات. بيروت: مكتبة لبنان.
- جمعی از محققان (۱۳۹۷). فرهنگ نامه تحلیل واژگان مشابه در قرآن. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ج ۱۱.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). تسنیم: تفسیر قرآن کریم. قم: نشر اسراء، ج ۳۲.
- خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۷). دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی. تهران: دوستان و ناهید، ج ۲.
- خوش فر، محسن؛ عصاریان نژاد، حسین؛ جزایری، سید حمید (۱۳۹۸). ماهیت قدرت نرم مطلوب از منظر قرآن. پژوهش های سیاست اسلامی، شماره ۱۶: ص ۲۹۳-۲۶۸.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بيروت: دارالقلم.
- روحانی، محمود (۱۳۶۶). المعجم الاحصائي لالفاظ القرآن الکریم: فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم. مشهد: آستان قدس رضوی، ج ۲.
- زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. مصحح علی شیری. بيروت: دارالفکر، ج ۷.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ق). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج. دمشق: دارالفکر، ج ۱۰.
- سید مرتضی، علی بن الحسین (۱۹۹۸م). غرر الفوائد و درر القلائد. مصحح محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دارالفکر العربی، ج ۴.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه. قم: فرهنگ اسلامی، ج ۱۲.
- صالح نژاد، حسن (۱۳۹۸). مفهوم قدرت هوشمند و نقش آن در سیاست جدید. تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۱). تفسیر القرآن الکریم. مصحح محمد خواجوی. قم: بیدار، ج ۳.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۵۱). المیزان فی تفسیر القرآن. بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ج ۱.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو، ج ۱، ۱۰.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. مصحح احمد حسینی اشکوری. تهران: مرتضوی، ج ۳-۴.
- عترت دوست، محمد (۱۳۹۷). تحلیل محتوای کیفی شبکه معنایی قدرت: تلاشی برای فهم الگوی قدرت نرم در قرآن کریم. *مطالعات قرآن و حدیث*، ۱۲(۲۳): ص ۷۹-۱۱۰.
- عسکری، ابوالهلال (۱۴۱۲). *معجم الفروق اللغویه*. قم: موسسه النشر الاسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۶). *فقه سیاسی*. تهران: امیرکبیر، ج ۱.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۱۲). *المحصول فی علم اصول الفقه*. تحقیق طه جابر فیاض العلوانی. بیروت: موسسه الرساله، ج ۱، ۱۸.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). *التفسیر الکبیر*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۸، ۱۵.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. قم: موسسه دارالهجره، ج ۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*. مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۹). مفهوم، معنا، زبان. *پژوهش سیاست*، ۱۲(۲۹): ص ۲۵۲-۲۳۷.
- محمدزاده، رضا؛ گوهری، عباس؛ جانی پور، محمد (۱۳۸۸). بررسی مفهومی و مصداقی برکت از دیدگاه قرآن کریم. *مطالعات قرآن و حدیث*، ۲(۲): ص ۶۸-۴۱.
- مصطفوی، حسن (۱۴۱۶). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۹.
- مفتح، محمدهادی (۱۳۸۸). *نظریه قدرت برگرفته از قرآن و سنت*. قم: بوستان کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۷، ۲۴.
- مهدوی راد، محمدعلی؛ هادیان رسانی، الهه (۱۳۹۹). بازشناسی مفهوم توسعه معنایی؛ بررسی موردی: توسعه معنایی در آیه ۱۲۷ سوره اعراف و چالش های ترجمه و تفسیر آن. *پژوهش دینی*، شماره ۴۰: ص ۲۲۸-۲۰۷.
- نژاد ایران، محمد (۱۳۹۴). بررسی مفهوم قدرت و امر سیاسی در نظریه های گفتمان. *سیاست پژوهی*، ۲(۳): ص ۹۱-۱۱۴.
- Boulding, K.E. (1990). *Three Faces of power*. London: SAGE.
- Dreyfus, H.L. & Rabinow, P. (1983). *Michel Foucault: Beyond Structuralism and Hermeneutics*. Chicago: The University of Chicago.
- Nye, J. (1990). *Soft Power*. Foreign Policy. URL= <https://www.jstor.org/stable/1148580>